

۲
گفتارفرصتی برای ایران
سیدحسین مرعشی۴
کانهنگهدارنده کاخ بلند پارسی
یادبود زنده یاد جلال خالقی مطلق۵
تماشابازگشت به داش آکل
درباره سریال جدید حمید نعمت الله۷
کوچه

اتصال به جهان

بعد از ۹۰ روز قطعی اینترنت جهانی در ایران، ستاد ویژه ساماندهی فضای مجازی به ریاست محمدرضا عارف، رأی به اتصال دوباره اینترنت بین‌المللی داد و رئیس‌جمهور نیز دستور نهایی را صادر کرد

یادداشت روز

روبارویی دوباره یا توافق؟

نقش واسطه‌ای قدرتمند به نام چین

علی بیگدلی

کارشناس مسائل بین‌الملل



با پیشرفت‌های حاصل شده در گفت‌وگوهای ایران و آمریکا و اعلام برخی مفاد احتمالی تفاهم، این پرسش در افکار عمومی شکل گرفته که آیا مسیر پیش‌رو، سرانجام به توافق ختم خواهد شد یا اینکه ایالات متحده بار دیگر در حال تدارک یک عملیات فریب و مقدمه‌چینی برای از سرگیری حملات نظامی است. این تردید با توجه به سابقه روابط دو کشور طبیعی است اما شرایط کنونی نشان می‌دهد که فضای امروز با گذشته تفاوت‌هایی اساسی پیدا کرده و همین تفاوت‌ها احتمال حرکت به سمت یک تفاهم را افزایش داده است.

نکته مهم این است که هم ایران و هم آمریکا با مشکلات داخلی روبه‌رو هستند و همین مسائل دو طرف را به سمت انتخاب راهکارهای عقلانی و دیپلماتیک سوق داده است. آمریکا پس از جنگ و تنش‌های اخیر به‌خوبی دریافته که از طریق حمله نظامی نمی‌تواند به اهداف خود در قبال ایران دست پیدا کند. در سوی دیگر، ایران نیز با مشکلاتی مانند فقر، تورم، بیکاری و افزایش نارضایتی‌های اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند. ادامه این وضعیت بدون کاهش فشارهای خارجی دشوار خواهد بود و به همین دلیل تهران نیز ناچار است مسیر دیپلماسی را جدی‌تر دنبال کند. در این میان آنچه اهمیت دارد، سطح انعطاف‌پذیری دو طرف است. ایران و آمریکا اگر بخواهند به نقطه مشترکی برسند، ناچارند از بخشی از مطالبات حداکثری خود عقب‌نشینی کنند. واقعیت این است که برای ایران نیز راهی جز حرکت به سمت مذاکرات مستقیم با آمریکا و کاهش سطح انتظارات باقی نمانده است. تحولات منطقه و جهان نشان می‌دهد که دوره نگاه آرمانی و صرفاً ایدئولوژیک در سیاست خارجی به پایان رسیده و معادلات ژئوپلیتیکی در حال تغییر است. ایالات متحده نیز طی سال‌های اخیر تلاش کرده، مسئله ایران را به یک اجماع بین‌المللی تبدیل کند و حتی خبرهایی درباره احتمال ورود ناتو برای بازگشایی تنگه هرمز مطرح شده است؛ مسئله‌ای که نشان می‌دهد، ادامه وضعیت تنش‌آلود می‌تواند ابعاد گسترده‌تری پیدا کند.

در چنین شرایطی سیاستمدار آگاه، کسی است که بتواند متناسب با تغییرات اجتماعی و ژئوپلیتیکی حرکت کند. باقی ماندن در نقطه صفر و ادامه برخی شعارهای گذشته دیگر کارایی سابق را ندارد. تحولات منطقه نشان داده که بسیاری از رویکردهای پیشین در عمل با شکست روبه‌رو شده و کشورها ناچارند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند. امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز به واقع‌گرایی در سیاست خارجی احساس می‌شود زیرا بدون تغییر در برخی رویکردها، عبور از بحران‌های اقتصادی و سیاسی دشوار خواهد بود.

موضوع تنگه هرمز نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. بستن تنگه هرمز اگرچه در ابتدا برای ایران، اقدامی مهم در راستای نمایش قدرت و پاسخ به فشارها بود اما ادامه طولانی مدت آن به‌سود ایران نیست. تنگه هرمز یک آبراه بین‌المللی است و از منظر حقوقی و قوانین بین‌المللی، بسته ماندن طولانی آن جز در شرایط اضطراری کوتا‌مدت قابل توجیه نیست. انسداد این مسیر، مشکلات گسترده‌ای در اقتصاد جهانی به‌ویژه بازار انرژی ایجاد کرده و فشارهای اقتصادی ناشی از آن می‌تواند دامنه‌دار شود. از همین‌رو بازگشایی تنگه هرمز در برابر کاهش یا رفع بخشی از محاصره و فشارهای آمریکا می‌توانست، اقدامی گره‌گشا برای خروج از وضعیت فعلی باشد زیرا محاصره اقتصادی نیز هزینه‌های سنگینی را بر ایران تحمیل کرده است.

ادامه در صفحه ۳

وصول دارایی‌های ایران

محمدباقر قالیباف، سیدعباس عراقچی و عبدالناصر همتی، هر سه به قطر رفتند تا در آخرین قدم برای توافق، پول‌های بلوکه‌شده ایران را آزاد کنند. اگر این اقدام صورت گیرد، در فاز بعدی باید منتظر امضای توافق‌نامه اسلام‌آباد از سوی ایران و آمریکا باشیم

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



سفر مشترک محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران به قطر را می‌توان در امتداد روندی ارزیابی کرد که طی هفته‌های اخیر با میانجی‌گری برخی کشورهای منطقه، به‌ویژه پاکستان، برای کاهش تنش‌ها و حرکت به سمت پایان درگیری‌های نظامی و تثبیت نسبی امنیت در منطقه آغاز شده است. این سفر در شرایطی انجام می‌شود که همزمان ابعاد سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی پرونده‌های میان ایران و طرف‌های مقابل در هم تنیده شده

و تلاش‌ها برای مدیریت پیامدهای جنگ و رسیدن به چارچوبی برای گفت‌وگوهای پایدار همچنان ادامه دارد. در کنار این دو مقام ارشد سیاسی، حضور عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در دوحه نیز نشان می‌دهد که بخش اقتصادی و مالی این مذاکرات به‌طور موازی در حال پیگیری

است؛ به‌ویژه در موضوع حساس آزادسازی و مدیریت اموال بلوکه‌شده ایران در خارج از کشور. قطر در ماه‌های اخیر به یکی از محورهای اصلی میانجی‌گری در پرونده ایران و آمریکا تبدیل شده است. این کشور پیش‌تر نیز میزبان گفت‌وگوهایی بوده که با هدف تسهیل تبادل زندانیان و آزادسازی بخشی

از دارایی‌های مسدود شده ایران شکل گرفت. در ادامه همین روند، هفته گذشته هیأتی از قطر به ریاست معاون دبیر شورای امنیت ملی این کشور به تهران سفر کرد و در چارچوب آنچه «مساعی جمیله» خوانده می‌شود، درباره تسهیل مسیر تفاهم‌های احتمالی و کاهش موانع موجود گفت‌وگوهای انجام داد. این رفت و برگشت‌های دیپلماتیک نشان می‌دهد که دوحه تلاش دارد نقش یک واسطه فعال و نسبتاً قابل اعتماد را میان تهران و واشنگتن ایفا کند؛ نقشی که به‌گفته برخی تحلیلگران با درک واقع‌بینانه کشورهای منطقه از موازنه قدرت در خاورمیانه و جایگاه ایران در معادلات امنیتی همراه شده است.

ادامه در صفحه ۳



دیدگاه: گفتار روز

فرصتی برای ایران

سیدحسین مرعشی: واشنگتن به دنبال راهی
آبرومندانه برای خروج از جنگ است



گروه سیاسی: سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، در گفتوگو با ایرنا می‌گوید آمریکا امروز بیش از هر چیز به دنبال راهی برای پایان دادن به جنگ است. او با تأکید بر

استحکام ساختار جمهوری اسلامی معتقد است، ایران در این رویارویی به یک پیروزی سیاسی دست یافته و اکنون باید این دستاورد را در مسیر بازسازی و توسعه کشور تثبیت کند.

مرعشی در تحلیل عملکرد آمریکا و اسرائیل در جنگ اخیر ریشه بحران را در همراهی دونالد ترامپ با سیاست‌های بنیامین نتانیاهو می‌بیند. به گفته او، رئیس‌جمهور آمریکا با تبعیت از خواسته‌های نخست‌وزیر اسرائیل، خود را وارد «جنگی بی‌ثمر» کرد؛ جنگی که برخلاف محاسبات اولیه نتوانست، اهداف راهبردی طراحانش را محقق کند. دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی با اشاره به ادعای حمله به هزاران هدف در ایران، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان پس از هفته‌ها عملیات نظامی گسترده، ناچار به هدف قرار دادن مراکز کم‌اهمیت شده‌اند. او می‌گوید: «از ۱۷ هزار جنایتی که اینها در ایران انجام دادند، هزاران مورد آن اهداف بسیار کم‌اهمیت نظامی بوده است». مرعشی معتقد است، ترامپ اکنون در تلاش است از این جنگ دستاوردی سیاسی به دست آورد اما واقعیت آن است که پیامدهای جنگ، از آشفتگی بازار انرژی تا تش در تنگه هرمز، بیش از آنکه برای ایران هزینه‌ساز باشد، آمریکا و متحدانش را با چالش مواجه کرده است.

یکی از محورهای اصلی سخنان مرعشی، تأکید بر تاب‌آوری ساختار سیاسی و نظامی ایران است. او معتقد است، آمریکا و اسرائیل در محاسبات خود دچار خطا شدند و گمان می‌کردند وارد کردن ضربات سنگین نظامی می‌تواند به فروپاشی سریع ایران منجر شود. دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی با رد این تصور می‌گوید: «آمریکایی‌ها باید بدانند که ایران نابودشدنی نیست؛ این استحکامی که نظام جمهوری اسلامی و در رأس آن سپاه دارد، مسئله‌ای نیست که از آن به‌سادگی عبور کنند». مرعشی برای اثبات این ادعا به عملکرد نهادهای نظامی و انتظامی در طول جنگ اشاره می‌کند و می‌افزاید: «یک سپاهی استعفا نداد، یک مأمور نیروی انتظامی فرار نکرد و یک سرباز محل خدمت خود را ترک نکرد. حتی یک ساعت ظرفیت موشکی ایران متوقف نشد».

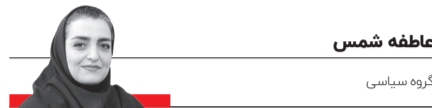
دبیرکل حزب کارگزاران معتقد است همین واقعیت‌ها باعث شده، نگاه واشنگتن از رویای «پیروزی نظامی» به سمت «مدیریت خروج از بحران» تغییر کند. به گفته او، آمریکایی‌ها اکنون دریافته‌اند که ایران را نمی‌توان با بمباران و فشار نظامی به زانو درآورد. مرعشی در ادامه به مسئله تنگه هرمز اشاره می‌کند و آن را یکی از نقاط ضعف محاسباتی آمریکا در این رویارویی می‌داند. او می‌گوید: «آمریکایی‌ها پای تنگه هرمز ضعف‌های خود را نشان دادند» و اگر از ابتدا پیامدهای امنیتی و اقتصادی تش در این گذرگاه راهبردی را درک می‌کردند با احتیاط بیشتری وارد بحران می‌شدند.

با این حال، می‌گوید که تنگه هرمز نباید صرفاً به یک ابزار اقتصادی تقلیل یابد و تأکید دارد که «ما به هیچ‌وجه نباید از موضوع تنگه هرمز، جز برای عزت ایران، استفاده دیگری بکنیم. تقلیل دادن ابزاری به‌نام تنگه هرمز به یک منبع درآمد اقتصادی احتمالی به‌نفع ایران نیست. ایران تنگه هرمز را بست چون مورد حمله قرار گرفته بود و این یک هدف نظامی بزرگ بود. ما نباید این برگ برنده راهبردی را کوچک کنیم و به سمتی برویم که سالی چند میلیارد دلار از آن عوارض بگیریم زیرا چنین نگاهی، ایران را ضعیف می‌کند».

مرعشی در بخش دیگری از گفتوگو به تحولات بین‌المللی می‌پردازد. او معتقد است رفتار اخیر چین نشان می‌دهد، پکن وارد مرحله جدیدی از حضور جهانی شده و دیگر حاضر نیست صرفاً براساس خواسته‌های واشنگتن عمل کند. به باور او، نزدیکی بیشتر چین و روسیه و مقاومت پکن در برابر فشارهای آمریکا، نشانه شکل‌گیری نظمی متکثرتر در جهان است؛ نظمی که می‌تواند فضای مانور بیشتری برای کشورهای متوسط و مستقل فراهم کند. از نگاه مرعشی، ایران توانسته در میدان سیاسی این جنگ دست بالا را به‌دست آورد و حالا باید این موقعیت را به دستاوردی پایدار تبدیل کند. به همین دلیل اگر زمینه‌های پایان جنگ فراهم شده باشد، لازم است از توافقی استقبال شود که ضمن حفظ منافع و اقتدار ایران مسیر بازسازی کشور و تمرکز بر حل مسائل اقتصادی و معیشتی مردم را هموار کند؛ مسیری که به باور مرعشی می‌تواند مهم‌ترین دستاورد دوران پساجنگ برای ایران باشد.

قالبیاف ماند

شکست سنگین رقبا و رأی قاطع به رئیس مجلس



عاطفه شمس

گروه سیاسی

صبح روز گذشته، خبر اصلی از بهارستان این بود که محمدباقر قالبیاف با رأی قاطع، بار دیگر در جایگاه ریاست مجلس ایفا شد. انتخابی که هم از نظر عددی برای او یک رکورد تازه به‌جا گذاشت و هم از نظر سیاسی، پیام روشنی داشت؛ اینکه با وجود تلاش‌های جدی طیف پایاداری برای تغییر ترکیب هیأت‌رئیس و کنار زدن او در نهایت ورق به‌نفع رئیس فعلی برگشت و او برای هفتمین سال متوالی بر کرسی ریاست مجلس تثبیت شد.

فضای این انتخابات از چند روز قبل کاملاً داغ شده بود. گمانه‌زنی‌ها از احتمال شکل‌گیری ائتلاف‌های موقت برای تغییر ریاست حکایت داشت و در محافل سیاسی و حتی رسانه ملی هم این بحث جریان داشت که آیا قالبیاف این بار می‌تواند با خیال راحت بماند یا رقابت جدی‌تری در راه است. حتی برخی چهره‌های نزدیک به جریان پایاداری تلاش کردند، فضای افکار عمومی و بدنه مجلس را به سمت تغییر سوق دهند. در این میان، موضوع اصرار برخی از نمایندگان منتسب این طیف بر حضور فیزیکی قالبیاف در جلسه رأی‌گیری هم به یک حاشیه قابل توجه تبدیل شد؛ تا جایی که در یکی از برنامه‌های صداوسیما هم مجری برنامه به شکل مستقیم از او خواست که مستقماً در انتخابات هیأت‌رئیس به‌صورت حضوری حاضر شود. اما در عمل این حاشیه‌ها و فشارهای رسانه‌ای نتوانستند تغییری در معادله اصلی ایجاد کنند و بیشتر در حد همان فضای خبری و جنجالی باقی ماندند بی‌آنکه بر تصمیم اکثریت مجلس اثر جدی بگذارند.

اما روز رأی‌گیری، نتیجه روشن‌تر از بسیاری از گمانه‌زنی‌ها بود. محمدباقر قالبیاف با ۲۳۵ رأی از مجموع رأی مأخوذه دوباره رئیس مجلس شد؛ عددی که نسبت به دوره‌های قبل، بالاترین میزان رأی او در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. در مقابل، رقبای او فاصله زیادی داشتند؛ محمدعلی نقدی، نماینده خمینی‌شهر تنها ۲۹ رأی به‌دست آورد و عثمان سالاری هم فقط ۷ رأی کسب کرد. ۵ رأی سفید هم در صندوق‌ها ثبت شد. نتیجه‌ای که البته کاملاً از پیش قابل پیش‌بینی بود.

پیام اژه‌ای و نشانه‌های یک همکاری گسترده‌تر

بعد از این انتخاب، رئیس قوه قضائیه هم در پیامی، ابقای مجدد قالبیاف در ریاست قوه مقننه را تبریک گفت و از او به‌عنوان مدیری «جهادی و میدان‌دیده» یاد کرد. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای با بیان اینکه «ایشان حقاً و انصافاً در جنگ‌های ۱۲ روزه، رمضان و پس از آن در عرصه‌های «میدان» و «دیپلماسی» جهاد کرد» بر ضرورت همکاری بیشتر میان قوه قضائیه و مجلس تأکید کرد و این انتخاب را نشانه استمرار اعتماد نمایندگان دانست. او همچنین تصریح کرد که گرچه در دوره اخیر بیشترین سطح تعامل میان بخش‌های مختلف

دستگاه قضا و نمایندگان مجلس برقرار شد اما امکان گسترش هرچه بیشتر سطح تعاملات میان قوای قضائیه و مقننه وجود دارد.

ثبات در رأس، تغییرات محدود در بدنه

قالبیاف در شرایطی توانست، جایگاه خود را حفظ کند که مجلس دوازدهم از ابتدا با ترکیب چندفراکسیونی و پراکنده شکل گرفته بود. برخلاف مجلس یازدهم که یکدست‌تر و اصولگرایانه‌تر بود این دوره مجموعه‌ای از گرایش‌های مختلف در آن حضور دارند. با این حال رأی دیروز نشان داد که در سطح مدیریت هیأت‌رئیس هنوز اجماع نسبی حول او وجود دارد؛ اجماعی که حتی تلاش‌های جریان‌های منتقد داخلی مجلس هم نتوانست آن را بشکند. فرآیند انتخابات هیأت‌رئیس هم نسبت به دوره‌های گذشته با



تغییراتی همراه بود. در این دوره رأی‌گیری به‌صورت الکترونیک و مخفی انجام شد؛ روشی که جایگزین شیوه‌های سنتی کاغذی شد و به گفته مسئولان مجلس، هم دقت را بالاتر برد و هم سرعت شمارش آرا را بیشتر کرد. از سوی دیگر، مشارکت هم بسیار بالا بود؛ بیش از ۹۵ درصد نمایندگان در انتخابات شرکت کردند و عملاً تقریباً همه صحن درگیر این انتخاب بودند. همین مشارکت بالا باعث شد نتیجه، وزن سیاسی بیشتری پیدا کند و به‌عنوان یک رأی جمعی قابل اتکا تعبیر شود.

در کنار انتخابات ریاست، ترکیب نواب رئیس، دبیران و ناظران هم تعیین شد. علی نیکزاد با ۱۴۳ رأی و حمیدرضا حاجی‌بابایی با ۱۰۰ رأی به‌عنوان نواب‌رئیس اول و دوم ایفا شدند. در بخش دبیران هم نام‌هایی مانند محمد رشیدی، روح‌الله متفکرآزاد، فرشاد ابراهیم‌پور، مجتبی بخشی‌پور، احمد نادری و سمیه رفیعی دیده می‌شود. انتخاب سمیه رفیعی، نکته‌ای بود که توجه زیادی را جلب کرد؛ چون برای اولین بار بعد از حدود دو دهه، یک زن دوباره به هیأت‌رئیس مجلس به‌عنوان دبیر راه پیدا کرد؛ جایگاهی که پیش از

این در طول ۱۲ دوره مجلس تنها سه‌بار جلودارزاده و شهربانو امانی توانسته بودند در مجلس ششم آن را به‌دست آورند و این موضوع به‌عنوان یک تغییر مهم در ترکیب مدیریتی پارلمان مطرح شد. در بخش ناظران نیز علیرضا سلیمی، سیدجلیل میرمحمدی و عباس گودرزی انتخاب شدند. مجموع این ترکیب نشان داد که هرچند در سطح افراد تغییراتی رخ داده اما ساختار اصلی و ستون‌های مدیریتی مجلس همچنان حفظ شده و ثبات نسبی در هیأت‌رئیس ادامه دارد.

تثبیت ریاست در ساختاری چندپاره

نکته مهم دیگر، مقایسه این دوره با دوره‌های قبل است. در مجلس دهم، ریاست در اختیار علی لاریجانی بود که در آن دوره با آرای بالا در جایگاه خود ایفا می‌شد. اما در مجلس یازدهم و دوازدهم، قالبیاف توانسته به‌تدریج جایگاه خود را تثبیت کند؛ هرچند در برخی دوره‌ها با کاهش یا افزایش رأی مواجه بوده است. با این حال رأی ۲۳۵ تایی این دوره برای او یک نقطه اوج جدید به‌حساب می‌آید که تا حد زیادی نشان‌دهنده تغییر وزن سیاسی او در میان طیف‌های مختلف مجلس هم هست. اگر در سال‌های ابتدایی مجلس یازدهم بخشی از بدنه اصولگرایان نگاه محتاطانه‌تری به ریاست او داشتند به‌مرور این نگاه جای خود را به نوعی پذیرش عملی داد. در مجلس دوازدهم هم، با وجود چندپارگی جریان‌ها، در بزنگاه انتخاب هیأت‌رئیس نوعی همگرایی حداقلی حول ریاست او شکل گرفت؛ همگرایی‌ای که در نهایت خود را در همین رأی بالا نشان داد.

از طرف دیگر، مقایسه آرای نواب رئیس و سایر اعضای هیأت‌رئیس هم نشان می‌دهد، درحالی که رقابت در برخی کرسی‌ها پراکنده و حتی با ریزش رأی همراه بوده، کرسی ریاست برخلاف آن روند حرکت کرده و تقویت شده است. همین تفاوت، تحلیلگران سیاسی را به این جمع‌بندی رسانده که ریاست مجلس در این دوره بیش از گذشته به یک «نقطه ثبات» در ساختار پارلمان تبدیل شده است؛ نقطه‌ای که حتی اختلافات درونی جریان‌های سیاسی نیز کمتر توانسته آن را تحت‌تأثیر قرار دهد.

در عین حال، برخی ناظران معتقدند این میزان از تثبیت لزوماً به‌معنای یکدستی سیاسی در مجلس نیست بلکه بیشتر نتیجه نوعی مدیریت ائتلافی و حفظ تعادل میان فراکسیون‌های مختلف است. به همین دلیل رأی ۲۳۵ تایی قالبیاف را می‌توان هم نشانه‌ای از قدرت فردی او دانست و هم بازتاب یک توازن شکننده درون پارلمان که در شرایط فعلی به‌نفع او عمل کرده است.

انتخابات سومین اجلاس مجلس دوازدهم نشان داد که با وجود همه اختلاف‌نظرها، وزن سیاسی قالبیاف در میان نمایندگان همچنان بالاست. تلاش‌هایی که برای ایجاد تغییر در رأس هیأت‌رئیس شکل گرفته بود، در عمل به نتیجه نرسید و او نه‌تنها در جایگاه خود باقی ماند بلکه با رأی بالاتر از دوره‌های قبل، موقعیت‌اش را تقویت کرد و وارد هفتمین سال ریاست بر مجلس شد.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهِ فَا نَ

اخوان ارجمند تابش

با کمال تأسف و تأثر درگذشت والده گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌نمائیم.
روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرباشان باد.

سیدحسین مرعشی

كُلُّ مَنْ عَلَيْهِ فَا نَ

جناب آقای سیدمحمد خاتمی

درگذشت **حاجیه خانم سیده خدیجه خاتمی** را به محضر جنابعالی و برادران محترم تابش تسلیت عرض نموده و از درگاه حضرت حق، برای ایشان علو درجات و برای بازماندگان، صبر بر مصیبت را خواهیم.

حزب کارگزاران سازندگی ایران

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَا جِعُونَ

ترجمان مرگ، حضور جاودانه انسان در محضر خداست

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین

جناب آقای سیدمحمد خاتمی

ضایعه درگذشت همشیره محترمه جنابعالی باعث تأثر و تألم فراوان گردید.

بدین‌وسیله مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

برای ایشان، رحمت و غفران واسعه الهی

و برای شما و خاندان معزز، صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

سیدحسین مرعشی، اسحاق جهانگیری، محسن هاشمی، محمد عطریان‌فر،

علی هاشمی، سید محمود علیزاده طباطبایی، فائزه هاشمی، محمد قوچانی،

فاطمه سعیدی، یدالله طاهرزاده، فرزانه ترکان، ولی‌الله افخمی‌راد،

جهانبخش خاتجانی، شهربانو امانی، سیدافضل موسوی، پروانه مافی،

علی محمد نمازی، ناهید تاج‌الدین، غلامرضا پناه، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، طاهره

میرساردو، علی جمالی، بهرام فیاضی، حامد منتظری،

مجید صالحی فیروزآبادی، طیبہ اصفهانی، کوروش دست‌پاک،

ناعمه‌علی‌نژاد، هادی جلیلی، خاطره وطنخواه، اکبر منتجبی و امیراقتناعی



مناظره داغ

صف آرای دموکرات‌ها و جمهوری خواهان علیه هم در خصوص ایران

گروه بین الملل: مایک پمپو، وزیر خارجه دولت پیشین دونالد ترامپ به همراه ویکتوریا نولاند، سخنگوی پیشین وزارت خارجه آمریکا، در برنامه «مانک دبیپتس» حضور یافتند تا در یک مناظره پر تنش و جنجالی با استفن والت و جان مرشایمر، دو استاد برجسته علوم سیاسی از دانشگاه‌های معتبر آمریکا، روبه‌رو شوند. این مناظره که با محوریت سیاست خارجی ایالات متحده به ویژه پرونده ایران برگزار شد، خیلی زود به یک جدال تند تاریخی و ایدئولوژیک تبدیل شد که در آن طرفین به روایت‌های کاملاً متضاد از نقش آمریکا در تحولات منطقه پرداختند.

استفن والت در ابتدای بحث استدلال کرد که برخلاف روایت رسمی واشنگتن، این آمریکا بوده که با مجموعه‌ای از اقدامات نظامی و امنیتی، از جمله حمله به ایران، عملاً آغازگر چرخه تنش و درگیری بوده است. او برای تقویت استدلال خود به مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی اشاره کرد؛ از جمله کودتای ۲۸ مرداد سازمان سیا در ایران که به سرنگونی دولت منتخب محمد مصدق منجر شد همچنین حمایت گسترده واشنگتن از رژیم صدام حسین در جریان جنگ ایران و عراق. به گفته والت، این اقدامات تاریخی هنوز در حافظه سیاسی ایران اثرگذار است و نمی‌توان نقش آنها را در شکل‌گیری تنش‌های امروز نادیده گرفت.

ادامه تیتربیک

وصول دارایی‌های ایران

در همین چارچوب، محمد مرندی، کارشناس مسائل بین‌الملل و عضو سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در اظهاراتی تلویزیونی به سازوکار تازه‌ای در مدیریت دارایی‌های بلوکه شده ایران اشاره کرده است. به گفته او، روندی شکل گرفته که براساس آن قطر می‌تواند به‌عنوان واسطه مالی، بخش‌هایی از منابع ایران را تأمین کند سپس تسویه حساب‌های نهایی میان قطر و ایالات متحده انجام شود. از نگاه او این مدل می‌تواند تا حدی وابستگی مستقیم ایران به تصمیم‌های لحظه‌ای واشنگتن را کاهش دهد و از ایجاد وقفه‌های طولانی در دسترسی به منابع مالی جلوگیری کند. مرندی همچنین تأکید کرده که حضور فعال قطر در این فرآیند تا حدی ناشی از درک این کشور از جایگاه و قدرت منطقه‌ای ایران است؛ موضوعی که به گفته او، موجب شده برخی کشورهای منطقه ترجیح دهند در نقش میانجی وارد شوند تا از تشدید تنش‌ها جلوگیری کنند.

با این حال روند آزادسازی دارایی‌های ایران همواره با پیچیدگی‌ها و موانع متعددی همراه بوده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های گسترده ایالات متحده است که باعث شده، بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی و منابع ارزی ایران در بانک‌های خارجی مسدود شود. در یکی از نمونه‌های مهم دارایی‌های ایران در کره جنوبی که سال‌ها بلوکه شده بود پس از مذاکرات متعدد در سال ۱۴۰۲ به قطر منتقل شد. هدف از این انتقال تسهیل دسترسی ایران به منابع مالی برای تأمین نیازهای اقتصادی و تجاری عنوان شد اما در عمل این منابع نیز بار دیگر در چارچوب محدودیت‌های جدید با چالش‌هایی مواجه شدند.

در روند کلی این توافق‌ها، چند کشور مختلف به‌عنوان گزینه‌های احتمالی برای انتقال دارایی‌ها مطرح بودند اما در نهایت طرف آمریکایی، نقش قطر را به‌عنوان میانجی ترجیح داد. توافقی که در آن تبادل زندانیان و آزادسازی بخشی از دارایی‌های

ادامه یادداشت روز

رویارویی دوباره یا توافق؟

در این میان نباید نقش کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و قطر را نادیده گرفت. این کشورها در ماه‌های اخیر تلاش کرده‌اند از طریق فشارهای سیاسی و دیپلماتیک، آمریکا را به سمت انعطاف بیشتر سوق دهند. آنها به خوبی می‌دانند که ادامه تنش میان ایران و آمریکا به زیان ثبات منطقه و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی خواهد بود. کشورهای اروپایی نیز به دلیل رکود در همکاری‌های اقتصادی با ایران، از کاهش

در مقابل، مایک پمپو با رد کامل این روایت، تلاش کرد مسئولیت آغاز درگیری‌ها را متوجه ایران کند. او در بخشی از سخنانش خود با لحنی تند گفت: «نمی‌گذاریم یک رژیم افراطی با شلیک موشک‌ها به سوی کشورهای بی‌گناه کاری نکرده‌اند، اقتصاد جهانی را تعطیل کند». او همچنین به حملات موشکی به غیرنظامیان در امارات متحده عربی اشاره کرد و مدعی شد، این اقدامات نشان می‌دهد که جامعه جهانی نمی‌تواند نسبت به چنین رفتاری بی‌تفاوت باشد. پمپو در ادامه با توصیف تندتری افزود: «این چیزی نیست که جهان بتواند بپذیرد و به همین دلیل این هیولا سزاوار شکار است».

این اظهارات با واکنش سریع استفن والت مواجه شد. او خطاب به پمپو گفت: «تو می‌دانی که ما جنگ را شروع کردیم». پمپو در پاسخ این ادعا را به‌طور کامل رد کرد و گفت: «نه، قطعاً نه. به هیچ‌وجه». اما والت بار دیگر تأکید کرد که پیش از حملات اخیر علیه ایران، این ایالات متحده و متحدانش بودند که اقدام نظامی را آغاز کرده‌اند و در نتیجه، نمی‌توان مسئولیت را تنها متوجه یک طرف دانست. او همچنین به کودتای ۱۳۳۲ و نقش آمریکا در سرنگونی دولت منتخب ایران اشاره کرد و گفت، ایران این رویدادها را هرگز فراموش نکرده است. پمپو نیز در واکنش بذریقت که چنین اتفاقی در حافظه تاریخی ایران باقی مانده است اما در ادامه سعی کرد با طرح



نیز مواضع تند خود علیه هرگونه توافق احتمالی با ایران را تکرار کرد و مدعی شد چنین توافقی مشابه نسخه‌های پیشنهادی برخی چهره‌های سیاسی پیشین است که به اعتقاد او موجب تقویت توان نظامی ایران خواهد شد. او تأکید کرد که باید دسترسی ایران به منابع مالی محدود شود و توانمندی‌های آن به حدی کاهش یابد که نتواند، متحدان آمریکا در منطقه را تهدید کند.

در مقابل، استیون چونگ، مدیر ارتباطات کاخ سفید، در واکنشی که‌سابقه به اظهارات پمپو گفت «او اصلاً نمی‌داند درباره چه چیزی حرف می‌زند» و باید اجازه دهد، تصمیم‌گیری به متخصصان سپرده شود. همچنین تد کروزر، سناتور جمهوری خواه، با ابراز نگرانی از روند مذاکرات احتمالی، هشدار داد هر توافقی که به ایران امکان دسترسی به منابع مالی، غنی‌سازی اورانیوم و نفوذ منطقه‌ای بدهد، می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای آمریکا و متحدانش داشته باشد.

نظامی

کپی ریاض از شاهد

همکاری پهبادی آمریکا و عربستان

«سمافور» فاش کرد که یک استراتژ آپ نظامی آمریکایی و یک شرکت سعودی در حال کار بر روی ساخت کارخانه‌ای در نزدیکی ریاض برای تولید هواپیماهای بدون سرنشین (پهباد) هستند. این پهبادها مشابه سامانه «شاهد» ایرانی خواهند بود که تهران در ماه‌های اخیر در حملات خود به کشورهای خلیج فارس از آن استفاده کرده است. این درحالی است که تهران می‌گوید، واشنگتن به استفاده از پهبادهای کپی شده از شاهد ۱۳۶ برای هدف قرار دادن کشورهای همسایه و تحریک درگیری روی آورده است. این تأسیسات نظامی توسط SRVVector یک همکاری استراتژیک جدید بین شرکت دفاعی وکتور مستقر در ایالات متحده، مستقر در یوتا و استارت‌آپ سعودی Defense Systems SR2 درحال توسعه است. این شرکت جدید یک پهباد تهاجمی یک‌طرفه توسعه‌یافته توسط وکتور به نام SKYWASP تولید خواهد کرد که قادر به حمله به اهداف تا ۱۵۰۰ کیلومتر دورتر است. «لوسین زیگلر»، مدیر ارشد استراتژی در SR2 و یکی از بنیانگذاران این پروژه به این وبگاه ادعا کرد که برنامه SKYWASP «می‌تواند شرایط بازی را برابر کند و قابلیت‌های بازدارندگی عربستان سعودی را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد». زیگلر ارقام مشخصی در مورد ظرفیت تولید کارخانه فاش نکرد اما توضیح داد که «مقادیر عملیاتی مرتبط و مطابق با الزامات بازدارندگی استراتژیک پادشاهی» تولید خواهد کرد. او همچنین از ارائه جدول زمانی برای شروع تولید با افسشای میزان سرمایه‌گذاری اختصاص داده شده به این پروژه خودداری کرد. SR2 Vector ایمن پهبادها را برای تأمین نیازهای بازار داخلی عربستان سعودی همچنین برای صادرات به کشورهای متحد تولید خواهد کرد. این پروژه توسط Masna Ven-tures صندوق سرمایه‌گذاری فناوری دفاعی که زیگلر در حال حاضر در حال جمع‌آوری سرمایه است، پشتیبانی خواهد شد. Masna Ventures قصد دارد از همکاری دفاعی رو به رشد بین ایالات متحده و عربستان سعودی، که نوامبر گذشته در جریان سفر محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی به کاخ سفید و دیدار او با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور به‌عنوان «متحد اصلی غیرناتو» تعیین شد، بهره‌برداری کند.



گزاره‌های کلی، ایران را مسئول اصلی تنش‌های کنونی معرفی کند. در بخش دیگری از مناظره، استفن والت بار دیگر به حمایت آمریکا از صدام حسین در دوران جنگ ایران و عراق اشاره کرد و آن را یکی از عوامل تشدید بی‌اعتمادی میان تهران و واشنگتن دانست. پمپو در پاسخ تلاش کرد، بحث را به سمت تهدیدات منطقه‌ای ایران سوق دهد و در نهایت پرسید: «قبول داری که ایران هیولاست؟» که با پاسخ منفی والت مواجه شد.

در پایان این مناظره، طبق نظرسنجی انجام شده، استفن والت و جان مرشایمر با کسب ۵۶ درصد آرا در برابر ۴۴ درصد بر پمپو و نولاند پیروز شدند. این نتیجه بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت و به‌ویژه با توجه به فضای پر تنش و تقابل مستقیم میان سیاستمداران پیشین و نظریه‌پردازان دانشگاهی.

همزمان با این مناظره، مایک پمپو در شبکه اجتماعی ایکس

حساسیت بالا و اختلاف دیدگاه‌های جدی مواجه است. ترامپ همچنین در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرده که هر توافق احتمالی با ایران نباید مشابه توافقات گذشته باشد و آن را از نظر ساختار و محتوا متفاوت از بگرام توصیف کرده است. این درحالی است که برخی تحلیلگران معتقدند این نوع موضع‌گیری‌ها بیشتر جنبه سیاسی داخلی دارد و با هدف مدیریت افکار عمومی در داخل ایالات متحده مطرح می‌شود تا لزوماً انعکاس دقیق روند مذاکرات باشد.

در سطح تحولات میدانی مذاکرات نیز گزارش‌هایی از توافق اولیه برای تمدید یک آتش‌بس ۶۰ روزه میان ایران و آمریکا منتشر شده است. براساس این گزارش‌ها، هدف از این تمدید، ایجاد فرصت برای ادامه گفت‌وگوها و جلوگیری از تشدید تنش‌ها در منطقه به‌ویژه در مسیرهای حیاتی مانند تنگه هرمز عنوان شده است. این توافق اولیه البته به‌معنای دستیابی به یک توافق جامع هسته‌ای نیست بلکه بیشتر به‌عنوان چارچوبی برای ادامه مذاکرات آینده ارزیابی می‌شود.

در همین زمینه، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز تأکید کرده که تمرکز اصلی مذاکرات در این مرحله بر پایان دادن به درگیری‌ها و مدیریت بحران‌های موجود است و هنوز وارد جزئیات نهایی پرونده هسته‌ای نشده‌اند. او با اشاره به وجود برخی تفاهم‌ها در موضوعات کلی، تأکید کرده است که نمی‌توان از نزدیک بودن امضای توافقی نهایی سخن گفت زیرا روند تصمیم‌گیری در طرف مقابل، به‌ویژه در ایالات متحده، همچنان با نوسان و تغییرات مکرر همراه است.

در مجموع، مجموعه سفرهای دیپلماتیک اخیر به قطر، از جمله حضور همزمان قالیبیاف، عراقچی و همتی در دو حه نشان‌دهنده تمرکز تهران بر ترکیب ابزارهای سیاسی و اقتصادی برای مدیریت بحران‌های جاری است. درحالی که نقش میانجی‌گرانه کشورهای مانند قطر و پاکستان در حال پررنگ‌تر شدن است، آینده این روند به انعطاف آمریکا و پیشبرد متن تفاهم تهران-واشنگتن بستگی دارد. هر بن‌بستی می‌تواند، آینده توافق را مبهم‌تر و پیچیده‌تر کند و هر گشایشی می‌تواند یک گام رو به جلو برای پیشبرد سایر موارد اختلاف باشد.

در امور چین نیز نشان می‌دهد که تهران جایگاه ویژه‌ای برای پکن در سیاست خارجی خود قائل است و چین را به‌عنوان یک واسطه قدرتمند در معادلات منطقه‌ای می‌بیند. از همین رو می‌توان گفت بخشی از پیشرفت‌های اخیر در روابط ایران و آمریکا نیز تحت‌تأثیر توصیه‌ها و فشارهای دیپلماتیک چین قرار دارد؛ کشوری که اکنون بیش از گذشته تلاش می‌کند در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای نقش‌آفرینی کند.

گزارش

نگهدارنده کاخ بلند پارسی

یادبود زنده‌یاد جلال خالقی مطلق
در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

آیین یادبود زنده‌یاد دکتر جلال خالقی مطلق، شاهنامه‌پژوه مطرح با عنوان «راوی حکیم طوس»، عصر یک‌شنبه سوم خرداد در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد.

کاظم موسوی بجنوردی، رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در ابتدای این مراسم در سخنانی گفت: امروز برای بزرگداشت و گرامی‌داشت یاد و خاطره بزرگ‌مردی گرد هم آمده‌ایم که بی‌اغراق بیش از نیم‌قرن از لحظه‌لحظه زندگی پرثمر خود را بر سر شناخت هرچه بیشتر و بهتر شاهنامهٔ فردوسی نهاد. اگر فردوسی توسی، فرزانه بزرگ ایران‌زمین، بیش از هزار سال پیش، کاخی بلند از نظم پارسی پی افکند، زنده‌یاد دکتر جلال خالقی مطلق یکی از بهترین و شایسته‌ترین نگاه‌دارندگان آن کاخ پرشکوه بود. او از هنگامی که شاهنامه را چون هدف زندگی خود برگزید تا واپسین‌دم کوشید با توجه به نسخه‌های معتبر و قابل استناد و مطالعات و بررسی‌های جانبی، از پژوهش‌های زبانی و لغوی تا تحقیقات حماسی و اسطوره‌ای، شاهنامه را تا حد ممکن، برکنار از انبوه تحریفات و تصرفات کاتبان و ایبات الحاقی به دل‌بستگان زبان فارسی و فرهنگ ایرانی عرضه کند. با کوشش ۵۰ ساله او اینک پژوهش‌گران و علاقه‌مندان به این شاهکار بی‌مانند بشری، متنی مضبوط‌تر در دست دارند و با خطای آسوده‌تر می‌توانند آن را اساس مطالعات و پژوهش‌های بعدی قرار دهند. حتی اگر نسخه‌های کهن‌تری از شاهنامه به‌دست آید، شاهنامه به تصحیح خالقی مطلق در هشت جلد و یادداشت‌های محققانه او در چهار جلد که مجلس باشکوه و خاطره‌انگیز رونمایی آن، در نوزدهم تیر ۱۳۸۶ در همین مرکز برگزار شد، راهنمایی بسیار ارزشمند و چراغی پرفروغ بر سر این راه دشوار خواهد بود. از هر سو که بنگریم دستاورد او مانند خود شاهنامه پرشکوه و ستودنی است. خالقی عشق به ایران و ادب فارسی را با روش علمی و تحقیقی در تصحیح متون کهن به‌هم آمیخته بود و به گمان من، او الگویی ارزشمند برای آیندگان بر جای نهاد. شناخت هر چه بیشتر زنده‌یاد دکتر خالقی مطلق و روش علمی او در تصحیح شاهنامه و پژوهش‌های مربوط به شاهنامه لازم است و می‌توان آن را الگو و معیاری برای عرضه متون نظم و نثر کهن قرار داد؛ راه و روشی که با شخصیت‌هایی چون علامه قزوینی و استاد مینوی شناخته می‌شود و دکتر خالقی هم در آن جایگاهی خاص و ممتاز دارد. اگر برگزاری این مجلس حتی اندکی از حق دکتر خالقی مطلق را بر گردن دوست‌داران ادب فارسی و فرهنگ ایران که در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ به عضویت شورای عالی علمی مرکز ما درآمد و در ۲۰ تیر ۱۳۹۶ مدیریت علمی و سروراستاری دانش‌نامه ادب حماسی ایران به ایشان محول شد، یادآوری کند، مایهٔ کمال افتخار و سرافرازی خواهد بود.»



حمیدرضا محمدی

شبیفته اشعار شعرای عهد سامانی و غزنوی بود و به استاد بزرگ فردوسی و منوچهری عشق می‌ورزید و از شعرای عهد سلسلجوقی خاصه گویندگان عراق همچنین سخن‌سرایان عهد مغول اطلاع بسیار نداشت و شعرشان را نمی‌پسنیدید و اسلوب‌شان را نمی‌ستود. بدیع‌الزمان فروزانفر

از ادبای نسل قدیم بود. از سلک آنان که از روستایی برخاسته و خیلی چیزها را خودخوان آموخته بود، چنان‌که کتاب‌هایی چون «معنی اللیب» و «ابن‌هشام»، «مطول» و «مقامات بدیعی» و «مقامات حریری» را با مطالعه و ممارست خویش فرا گرفت. اهل توابع نیشابور بود اما برای تحصیل مجاور آستان قدس رضوی شد و تا پایان عمر، مقیم مشهد ماند و در مدرسهٔ نواب به معلمی پرداخت. «عبدالجواد ادیب نیشابوری» صریح‌اللهجه بود و در انتقاد بیم و باک از کسی نداشت. فنون ادبی را به تمامی می‌دانست و حافظه‌ای شگفت داشت.

مفروضات نظم و نثر عربی و پارسی او شگفتی همگان را بر می‌انگیخت چنان‌که محمدعلی بامداد نوشته است: «از هر جا که در ادب سخن گفته می‌شد گویا ادیب ساعتی پیش همین مبحث را به دقت خوانده و حفظ کرده بود.» حتی در علوم عقلی و نقلی چون فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، موسیقی نظری، فقه، اصول، رجال و تاریخ دستی داشت. به لفظ قلم سخن می‌گفت. جلسات درس‌اش هرچند خطابی بود و شاگرد اجازه بحث و

گزارش: سینمای ایران

پرسش نداشت اما چنان شیرین و شیوا بود که نوشته‌اند گاه تا ۳۰۰ مشتاق علم در آن محافل حضور می‌یافتند و از خوان فضل‌اش خوشه می‌چیدند. محمود فرخ نوشته است که «هر چند سطر مورد درس را که مدرّس دیگری در نیم ساعت تدریس می‌کرد، او در دو ساعت تدریس می‌فرمود، زیرا در حین تدریس بیانات خود را به امثال و شواهدی که در حفظ داشت مزین می‌فرمود.»

از میان آن شاگردان کسانی چون ملک‌الشعرا بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدتقی مدرس‌رضوی، محمد



میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری

پروین گنابادی، محمدامین ادیب طوسی، سیدمحمدباقر عربشاهی سبزواری، سیدمحمد فرخ‌خراسانی، محمود شهایی خراسانی، مجدالعلای بوستان، محمدتقی ادیب نیشابوری و سیدحسن مشکان طیبی بعدها صاحب مرتبتی شدند و او بر آنان بسیار اثر گذاشت. از جمله روایت محمدجعفر محجوب که «نخستین آشنایی بدیع‌الزمان فروزانفر با مولانا جلال‌الدین (که بعدها قسمت اعظم عمر گران‌مایهٔ خویش را صرف تحقیق و شرح و تفسیر و نقد و تصحیح آثار وی کرد) در محضر همین استاد اتفاق افتاد؛ چه مرحوم ادیب نیشابوری غزل معروف «بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست» را به شاگردان محضر برپرکت خود القا می‌فرمود و شاگردان را به حفظ آن مکلف ساخت.» نیز محمود فرخ درباره‌اش نوشته است: «برای هر کس که ذوق ادبی داشت استماع بیانات ایشان بسیار لذت‌بخش بود. او هیچ‌وقت به تحقیقات تاریخی و سیاسی نمی‌پرداخت و از تاریخ آن‌چه جنبهٔ غیرت و اخلاق داشت در طی گفتار ایشان شنیده می‌شد و در معتقدات دینی هم بی‌تعصب بود.» هم‌چنین به گفتهٔ پروین گنابادی هنگامی که قصیدهٔ دماوند بهار به چاپ رسید، ادیب با آنکه اندک رنجشی از ملک‌الشعرا در دل داشت، از خواندن سرودهٔ او بسیار به وجد آمد و بهار را استاد شاعران ایران خواند و او نیز در سبک‌شناسی خود را وام‌دار دانسته است.

چای، سیگار، دیزی

نوشته‌اند سیگار زیاد می‌کشید و سیگارها هم دست‌پیچ شاگردان نزدیکش بود. ضمناً به گفتهٔ محمدتقی ادیب نیشابوری: «چای زیاد میل می‌کردند،

هفت دهه فیلمفارسی

ناصر ملک‌مطیعی ستاره سینمایی که کاووسی دشمنش بود

برای همیشه فراموش شد. در دهه ۹۰ شمسی، ملک‌مطیعی که دیگر بیش از هشتادسال داشت، در دو فیلم نقش‌های مکمل و کوتاهی بازی کرد که البته بعید است، طرفدارانش علاقه‌ای به حضور آنها در کارنامه سوپرستار سابق سینمای ایران داشته باشند. ناصر در تمام مدت فعالیت سی‌ساله‌اش در بازیگری تنها در یک سریال بازی کرد و آن سلطان صاحبقران ساخته علی حاتمی و محصول سال ۱۳۵۴ بود.

با وجود بازی او در بیش از صد فیلم که در بخش عمده‌ای از آنها او نقش اول بوده، اما در کارنامه ناصر ملک‌مطیعی تعداد فیلم‌های مهم و واجد ارزش هنری، خیلی زیاد نیست، هرچند این به‌معنای خالی بودن کارنامه‌اش از نقش خوب نیست. با این‌وجود، بخش مهمی از فیلم‌هایی که او بازی کرده، در ادبیات نقد ایران به فیلمفارسی معروف است.

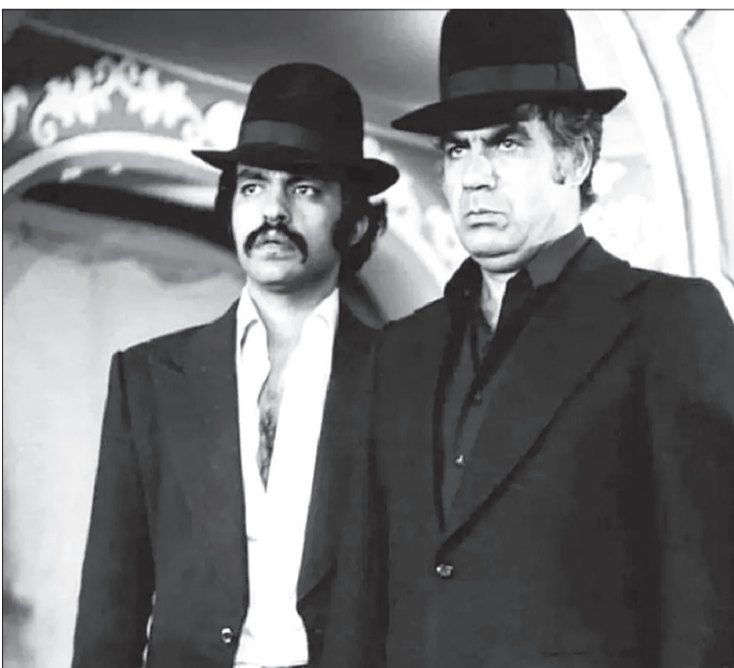
امروز ۵ خرداد هشتمین سالگرد درگذشت ناصر ملک‌مطیعی، ستاره سینمای ایران در دوران پیش از انقلاب است. این در حالی است که دو روز بعد، سالروز تولد هوشنگ کاووسی، منتقد و نویسنده سینمایی است؛ کسی که عنوان فیلمفارسی را برای فیلم‌های عامه‌پسند پیش از انقلاب ساخت.

ناصر؛ مردی با ۱۰۰ فیلم

ناصر ملک‌مطیعی، یکی از سه ستاره اصلی سینمای ایران در دوران پیش از انقلاب است. او از سال ۱۳۲۸ کار بازیگری را با حضور در فیلم «واریه بهاری» ساخته پرویز خطیبی آغاز کرد. او هنوز بیست ساله نشده بود که تصویرش روی پرده عریض نمایان شد و آن‌قدر این تصویر مورد قبول تولیدکنندگان و مخاطبان بود که ملک‌مطیعی در فاصله واریه بهاری تا فیلم «آخرین نفس» ساخته کامران قدکچیان در سال ۱۳۵۷، در ۱۰۰ فیلم، ایفای نقش کرد که در بخش عمده‌ای از آنها نقش اول را بازی می‌کرد.

از سال ۱۳۴۱ و با فیلم «کلاه مخملی» ساخته اسماعیل کوشان، ناصر ملک‌مطیعی تبدیل به یک تیپ در سینمای ایران شد. داستان فیلم درباره یک جاهل است که کلاه مخملی به‌سر می‌گذارد و بعد از آزادی از زندان تصمیم می‌گیرد که دور و بر خلاف نگردد. ملک‌مطیعی در سال‌های ابتدایی دهه ۳۰ زندگی‌اش، دو فیلم هم کارگردانی کرد که یکی عاشقانه و دیگری به‌نام «سوداگران مرگ» یک فیلم جنایی بود اما خیلی‌زود دوباره کلاه مخملی را در فیلم‌های بعدی مثل «بامعرفت‌ها» به‌سر گذاشت. او که یکی از ستاره‌های سینمای ایران در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بود، در قیصر ساخته مسعود کیمیایی، با وجود داشتن نقشی کوتاه، یکی از بهترین نقش‌آفرینی‌هایش را با کلاه مخملی جاهلی به یادگار گذاشت. اما این فیلم او را به‌طور رسمی تبدیل به یک تیپ در سینمای عامه‌پسند کرد و البته در انبوهی از فیلم‌های فارسی بازی کرد.

در سال ۴۸ هم‌زمان با قیصر، در چهار فیلم دیگر بازی کرد، در سال ۱۳۴۹ و بعد از موفقیت قیصر، او در ۶ فیلم دیگر نقش اصلی را ایفا کرد. در سال ۱۳۵۰ و در یک رکورد غیرقابل تصور، ناصر در ۱۰ فیلم در طول یک سال بازی کرده و در سال ۱۳۵۲ هشت فیلم از او اکران شده است. در حالی که در سال‌های بعد، این روند ادامه داشت، او در سال ۱۳۵۵ نیز با بازی در هشت فیلم، یکی از رکوردداران سینمای ایران به‌حساب می‌آید. در حالی که، اغلب فیلم‌های ملک‌مطیعی همان فیلم‌های کلاه مخملی و نمایش جاهل قهرمان بودند، در سال ۱۳۵۶ فقط در دو فیلم و سال ۱۳۵۷ در سه فیلم بازی کرد و تقریباً



گزارش: سینمای ایران

بازگشت به داش آکل

مینی‌سریالی براساس داستان معروف صادق هدایت

حمید نعمت‌الله، فیلمساز مطرح، ایرانی قصد دارد یک مینی‌سریال براساس داستان «داش آکل» بسازد. این خبر از آن جهت قابل توجه و حائز اهمیت است که حمید نعمت‌الله، به‌عنوان یکی از بهترین کارگردانان حال‌حاضر سینمای ایران به‌سراغ این داستان رفته که پیش از این، چند اثر براساس آن ساخته شده است. هرچند کماکان فیلمی که مسعود کیمیایی با همین نام در سال ۱۳۵۰ ساخته، بهترین نمونه سینمایی از این داستان کوتاه نوشته صادق هدایت، نویسنده بزرگ ایرانی است. براساس اخبار، حمید نعمت‌الله، کار فیلمنامه داش آکل را به پایان رسانده و حالا این سریال در مرحله پیش‌تولید قرار دارد. نعمت‌الله که در حال حاضر فیلم «قاتل و وحشی» از او نزدیک به ۶ سال است که در توقیف به‌سرس می‌برد، پیش از این، یک تجربه کاملاً موفق در ساخت سریال داشته است. سریال «وضعیت سفید» که او در سال ۱۳۸۷ ساخت، یکی از بهترین سریال‌های دهه‌های اخیر تلویزیون ایران بوده و بخش چندباره آن نیز همواره مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است. «بوتیک» احتمالاً بهترین فیلم اوست که در سال ۱۳۸۲ ساخته شد و نعمت‌الله را به‌عنوان یک فیلمساز موفق و جوان مطرح کرد. «بی‌پولی» دومین فیلم او نیز در میان موفق‌ترین فیلم‌های دهه هشتاد قرار دارد و به تعداد بسیار بالایی دیده شده است. آخرین فیلم حمید نعمت‌الله، فیلم «بت» است که با وجود اعلام قبلی در جشنواره فیلم فجر گذشته، حضور پیدا نکرد. با این وصف، باعث خوشحالی علاقه‌مندان سینماست که کارگردانی چون نعمت‌الله قرار است، داستان کوتاه و موفق صادق هدایت را که براساس یک شخصیت واقعی نوشته شده، بسازد...

داش آکل به روایت...

داش آکل، داستان اکبر دانی محمد، لوطی اهل شیراز در اواخر دوره قاجار است. مردی بلندبالا و قوی با صورتی که آثار زخم عمیقی روی آن وجود داشت. او یکی از لوطی‌های سرشناس شیراز بود اما بعد از آنکه علاءالدوله حاکم فارس شد، دستور قتلش را داد. او را در صحن حرم شاهچراغ به خاک سپردند، درحالی که یک مجسمه شیرسنگی روی قبر او قرار دادند. صادق هدایت برای نوشتن داستان داش آکل، مدتی را در شیراز به قهوه‌خانه‌ای رفت که پانوق این لوطی بود. هدایت داستانش را براساس عشق داش آکل به مرجان دختر جوان یکی از دوستان آکل می‌نویسد اما برخی از روایات حاکی است که داش آکل واقعی برای جلوگیری از یک فاجعه اخلاقی عشق و حکمت یک پسر را که برخی پسر خود او می‌دانند نسبت به دختر جوان حاجی سرشناس شهر گرد می‌گیرد. داش آکل هدایت که احتمالاً منبع داستانی حمید نعمت‌الله است، اولین قصه از مجموعه داستان کوتاه «سه قطره خون» صادق هدایت است. واژه «کُل» یادآور «کُلُو» است که به گروهی محترم از لوطی‌های شیراز که به آئین جوانمردی پایبند بودند، اطلاق می‌شد. مضمون پیرمردی که عاشق دختری جوان و دست‌نیافتنی می‌شود، در آثار هدایت بارها تکرار شده است؛ اما در «داش آکل» این مضمون رنگ‌بویی اجتماعی و اخلاقی پیدا می‌کند. وقتی بعد از هفت سال، خواستگاری برای مرجان پیدا می‌شود؛ مردی که «از خود داش آکل هم بی‌تر و زشت‌تر» است، او وفادار به اصول ناموس و جوانمردی، مقدمات عروسی را فراهم می‌کند، حساب‌وکتاب‌ها را در حضور همه تحویل می‌دهد و از خانه بیرون می‌رود: «دل‌م دیوانه شد ای عاقلان آرید زنجیری، که نبود چاره دیوانه جز زنجیر تویی».

داش آکل، مانند بسیاری از داستان‌های کوتاه هدایت، سرشار از رنگ‌بویی بومی و تصویرگر جامعه‌های سنتی است. او داستان، زندگی و مرگ تراژیک یک مرد را با روایت زوال تدریجی یک دوران دردم می‌آیزد. هدایت در «داش آکل» از یک سو از زبان رسمی و گاه شاعرانه بهره می‌گیرد و از سوی دیگر، اصطلاحات و تعبیرهای کوجه‌سازاری به‌ویژه واژگان رایج میان لوطی‌ها، را وارد متن می‌کند. بهرام بیضایی، کارگردان و نویسنده پژوهشگر سرشناس سینما و تئاتر و ادبیات فارسی، نمایشنامه «داش آکل» به روایت مرجان» را در دهه ۹۰ نوشت و در سال ۱۴۰۳ در تماشاخانه رودا در برکلی کالیفرنیا روی صحنه برد. بیضایی روایت تازه‌ای را از داستان داش آکل در این نمایشنامه به‌تصویر می‌کشد. او قهرمان قصه را تغییر داده و این بار داستان را از زاویه نگاه مرجان تعریف کند. دختری که برخلاف داستان هدایت در نمایشنامه بیضایی صاحب دیدگاه، صدا و شخصیتی مستقل است. با این وجود، اولین اقتباس نمایشی از داستان صادق هدایت را علی نصیریان کارگردان و بازیگر سرشناس تئاتر و سینمای ایران انجام داد. او ابتدا در سال ۱۳۳۶ این نمایش را روی صحنه برد و در سال ۱۳۵۲ نسخه تلویزیونی‌اش را ساخت. سال ۱۳۹۳ نیز رضا کریمی، فیلمی را به‌نام «تگرگ و آفتاب» براساس داستان داش آکل صادق هدایت ساخت که البته فیلم موفق از آب درنیامد. در سال ۱۳۹۶ هم محمد عرب تصمیم به ساخت داش آکل سینمایی گرفت. او از حسین یاری و مهران غفوریان به‌جای شخصیت‌های اصلی استفاده کرد که این فیلم هم نتوانست نه در میان مخاطبان سینما و نه منتقدان جایگاهی به‌دست بیاورد. به‌نظر می‌رسد بعد از اقتباس موفق کیمیایی در سینما و خویش متفاوت بیضایی از این اثر صادق هدایت اکنون حمید نعمت‌الله می‌تواند، نسخه تازه و متفاوتی که بتواند مخاطبان و منتقدان را هم راضی کند، بسازد.



یعنی سودجویی از ابزار اصطلاحات عرفانی برای غنای صوری شعر» اما «شعرش این مزیت را دارد که به لحاظ مسائل مربوط به فرم شعر (هماهنگی سنتی در نظام الفاظ، موسیقی عروضی شعر، توجه به اصول سنتی سبک، طنطنه کلمات) از نوعی امتیاز نسبی برخوردار است.»

او تنها يك بار در اواخر عمر به زادگاهش و کاشمر و مَحَلّات (از بخش‌های تربت حیدریه) سفری پنج ماهه کرد، از میان نزدیک‌ترین معاشران و مجالس‌ان‌اش، به‌ویژه با ایرج‌میرزا تا پایان عمر در مخالفت دائمی بود و میان‌شان از مسائل ادبی و سیاسی گفت‌وگو می‌شد. این دوستی تا آن‌جا بود که به روایت محمود فرخ: «او قبل از آمدن مرحوم ایرج به خراسان هیچ از مدرسه بیرون نمی‌آمد مگر برای تشرف به حرم مطهر حضرت رضا و بعد از آشنایی با ایرج به نصیحت او عصرها برای گردش به باغ ملی می‌آمد و به دعوت‌های ناهار و شام او [ایرج] و دوستان حضور می‌یافت.» ادیب با آن‌که با ایرج اختلاف سبک داشت، شعر او را می‌ستود. ایرج‌میرزا نیز به ادیب ارادت تمام داشت و از او بهره‌ها می‌برد و در عارف‌نامه خود، او را بزرگ داشته تا جایی که از ادیب پیشاوری برتر دانسته است.

ایرج‌میرزا بیست‌ویکم اسفند ۱۳۰۴ درگذشت و در گورستان ظهیرالدوله شمیران مدفون شد و ادیب پیشاوری درحالی که مرگ ایرج بسیار فسرده‌اش کرده بود، ششم خرداد ۱۳۰۵ در بیمارستان منتصریه مشهد دار فانی را وداع گفت و در یکی از رواق‌های حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد؛ اگرچه ۶۳ سال پیش‌تر نداشت اما بسیار فروت‌تر از این نشان می‌داد. دیوان کاملی از اشعار او در دست نیست. چند نفری هم مجموعه‌هایی از او منتشر کرده‌اند اما متقن‌ترین و آخرین‌اش، تصحیح انتقادی از دیوان همراه زندگی‌نامه ادیب است که به کوشش یادالله جلالی ندری در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسیده است و مؤلف با کوش فراوان در مآخذ توانسته است ابیات دیوان را به ۱۱۸۹ برساند.

* عنوان یادداشت، تعبیر بدیع‌الزمان فروزانفر است درباره ادیب پیشاوری

کاملاً درباره بخشی از سینمای ایران کاربردی است.

او که در فرانسه تحصیل کرده بود، با قلم تند و تیزش به این نوع سینما حمله کرد و قهرمان‌پروری از توده‌ها، نوع داستان‌پردازی، رقص و آواز بی‌جهت، نبودن اصول نسبت در روایت فیلم و پایان‌های خوش از جنس فیلم‌های هندی و به دور از منطق سینما را به‌باد انتقاد گرفت. از نظر او فیلمفارسی نه فیلم بود و نه متناسب با فرهنگ و زبان فارسی یا به بیان خودش: «فیلمفارسی هم فیلم بود و هم فارسی اما در عین حال نه فیلم بود و نه فارسی».

فیلم‌هایی که او از آنها متفرد بود هیچ قصه، فرم و ساختاری نداشتند و تنها با مضامین جنسی سعی در جذب مخاطب داشتند. او این فیلم‌ها را «زیرفیلم» می‌نامید و در واقع آنها را فیلم واقعی نمی‌دانست.

براساس این تعریف، آن‌دسته از فیلم‌های سینمای ایران که در ساخت آنها از شیوه‌های قراردادی و کلیشه‌ای سینما استفاده شده و می‌شود، همه در دسته فیلمفارسی قرار می‌گیرند.

سینما علیه سینما

شصت سال پیش هوشنگ کاووسی، منتقد سرشناس ایرانی، از مخاطبان سینما خواست که به تماشای فیلمفارسی نروند. البته او دست‌کم در بین عامه طرفداران سینما، موفقیتی کسب نکرد، هرچند شاید رد تأثیر این نقدهای آتشین را بتوان در تولید فیلم‌های هنری که از آن زمان به تعداد به‌طور محدود ساخته شدند، دید.

اما با وجود گذشت هفت دهه از نقدهای تند کاووسی درباره سینمای سطحی، بدون قصه و ساختار و فرم و تنها متکی بر مضامین جنسی، به‌نظر می‌رسد که سینمای ایران بیش از هر چیزی، آن نقدهای پرشور را نادیده گرفته است. امروز نیز نگاهی به آنچه در سینمای ایران تولید می‌شود، حاکی است که طی دهه‌های گذشته فیلمفارسی با قدرت و تعداد زیاد تولید شده و می‌شود. فیلم‌هایی که هنوز هم قصه و روایت آنها براساس اتفاق‌های غیرقابل باور، حوادث داستانی عجیب و غریب و اشتباهات اغراق‌آمیز ساخته می‌شود. طنزهای سخیف و ساده‌لوحانه و توهین‌آمیز بخش اصلی این آثار هستند. فیلم‌هایی که وقتی می‌خواهند جدی باشند، بیشتر خنده‌دار هستند و هنگامی که قصد دارند طنز باشند، خجالت‌آور از آب درمی‌آیند. این آثار فاقد شخصیت هستند و از مجموعه‌ای از تیپ‌های اغراق‌آمیز و غیرواقعی تشکیل شده‌اند. بخشی از این فیلم‌ها، کپی‌های سطحی و کلیشه‌ای از فیلم‌های موفق هستند و سعی دارند جدی‌ترین و مهم‌ترین تضادهای اجتماعی را به احقانه‌ترین شکل ممکن حل کنند.

نگاهی به سینمای ایران به‌خصوص از دهه هشتاد هجری شمسی به این‌سو که درجه‌های ورود سرمایه به سینما باز شدند، نشان می‌دهد که هنوز هر سال تعداد زیادی با مؤلفه‌های فیلمفارسی تولید می‌شوند و شاید عم‌انگیز اینجا باشد که کماکان این فیلم‌ها هستند که می‌توانند نبض گیشه را در دست داشته باشند. از زمانی که هوشنگ کاووسی از مخاطبان سینما درخواست کرد که چنین فیلم‌هایی را تماشا نکنند تا امروز، در واقع کمتر کسی این توصیه مهم را شنیده و یا آن را جدی گرفته است.



از راست: دانش بزرگنیا، ادیب نیشابوری و ایرج‌میرزا/ از مجموعه محمود فرخ خراسانی

فریدونسی را / از چپ و راست کند دشمن چوین تقسیم؟» قصیده‌اش در ستایش مظفرالدین شاه نیز به سبب افتتاح مجلس شورای ملی بود. با وجود این، ادیب اگرچه مدرسی دانا و توانا بود و به قول غلام‌حسین یوسفی: «کسی که با داشتن ربع چشم، درحالی که کتاب خواندن برایش بی‌نهایت دشوار بود، هرگز از مطالعه دست نمی‌کشید، حتی به‌ندرت از مدرسه خارج می‌شد» و به شهادت ادیب نیشابوری ثانی: «هیچ روز تدریس را ترک نمی‌کردند و به ولادت‌ها و وفیات هم چندان اعتنا نداشتند و می‌فرمودند احترام پیغمبر و امام برای علم آن‌هاست، ترک علم چه معنی دارد؟» اما در شاعری که ابتدا به قائلی شیرازی و بعدتر فردوسی، فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، عسجدی مروزی و مسعود سعد سلمان و در اواخر صفای اصفهانی تأثی می‌کرد اما به اعتقاد محمدرضا شفیعی کدکنی: «اگر شعر او را به لحاظ حوزه معانی و صور خیال بخواهیم نقد کنیم، مثل شعر تمام گویندگان بعد از سبک هندی تا عصر مشروطیت، چیز تازه‌ای ندارد.

حتی عرفان ادیب هم، بیشتر نوعی فرمالیسم است،

و پرزنگ، با استکان بزرگ هم چای میل می‌کردند. غذای روز و شب‌شان هم دیزی بود مگر بعضی روزها و شب‌ها در وقت تعطیل که شاهزاده ایرج‌میرزا می‌آمد خدمت‌شان.» با آن‌که تنها با مستمری سالانه ۳۶۰ ریالی مدرسه نواب و عایدی اندکی از ملک ارثی گذران عمر می‌کرد اما منبع الطبع و سلیم‌النفس بود و هیچ‌گاه دعوت خوانین و سیاسیون را رد کرد و در برشان نشست. پیشنهاد ریاست انجمن ادبی خراسان را نیز با سخنانی گزنده و تند رد کرد و به گفته ادیب طوسی حتی پیشنهاد مدرسی آستان قدس را که مستمری قابل توجهی داشت، نپذیرفت. او اصولاً از سیاست برکنار بود چنان‌که با آن‌که درست معاصر با تحولات منتج به مشروطیت زیست، ولی شعرش کم‌تر رنگ شعر مشروطه را به‌خود گرفت و حتی آن‌چه در خراسان رخ داد، نظیر حمله نظامی روس‌ها به آستان قدس رضوی (۱۲۸۹ش) و قیام کلنل محمدتقی خان پسپان (۱۳۰۰ش) انعکاسی در شعر او نداشت اما به حوادث روزگار یکسره هم بی‌اعتنا نبود و برای مثال پس از معاهده تقسیم ایران میان روسیه و انگلیس (قرارداد ۱۹۰۷) سرود: «که گمان داشت که بنگاه

اصطلاحی که هوشنگ کاووسی، کارگردان، نویسنده و منتقد ابداع کرد. نکته جالب اینجاست که ناصر ملک‌مطیعی در اولین فیلمی که هوشنگ کاووسی به‌عنوان کارگردان در ایران ساخت، نقش اصلی را بازی کرد. فیلم «هفده روز به اعدام» در سال ۱۳۳۵ اولین و آخرین همکاری ناصر و کاووسی بود. دو فردی که در حرفه‌شان از آن پس، کاملاً در نقطه مقابل یکدیگر قرار گرفتند.

مخترع فیلمفارسی در ادبیات نقد

روز هفتم خرداد، سالگرد تولد هوشنگ کاووسی، منتقد و نویسنده سرشناس ایرانی است. کسی که گفته می‌شود بنیان‌گذار نقد تحلیلی در رسانه‌های ایرانی است و البته او بیش از همه به‌خاطر ساخت اصطلاح «فیلمفارسی» در میان عامه علاقه‌مندان سینما مطرح است. جالب است که کاووسی بعد از اتمام تحصیلات و بعد از درخواست اسماعیل کوشان، به ایران بازگشت و در ابتدا قصد فیلمسازی داشت. کوشان را می‌توان یکی از بنیان‌گذاران و سازندگان آنچه بعدها کاووسی فیلمفارسی نامید، دانست. کاووسی در بدو ورودش با تهیه‌کنندگانی که دنبال ساخت فیلم‌های ارزان و عامه‌پسند بودند، به مشکل خورد و چند فیلم ابتدایی‌اش یا ساخته نشدند یا نیمه‌کاره رها شدند. با این‌وجود، او در ابتدای دهه چهل و در اوج فعالیت روزنامه‌نگاری، اصطلاح «فیلمفارسی» را برای مجموعه فیلم‌های سطحی و عامه‌پسند ساخت و تا امروز این واژه



اتصال به جهان

با دستور رئیس‌جمهور اینترنت بین‌المللی در ایران برقرار می‌شود

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



چهارمین جلسه «ستاد ویژه ساماندهی فضای مجازی» درحالی برگزار شد که برای نخستین‌بار پس از نزدیک به سه ماه قطع گسترده اینترنت بین‌الملل، خبر تصویب اتصال دوباره اینترنت با ۹ رأی موافق در برابر ۲ رأی مخالف منتشر شد؛ مصوبه‌ای که حالا برای تأیید نهایی به دفتر رئیس‌جمهور ارسال شده و در صورت امضای مسعود پزشکیان باید از سوی وزارت ارتباطات اجرا شود. همین خبر کافی بود تا پس از ۹۰روز بلاتکلیفی، امیدی محتاطانه در میان افکار عمومی، کسب‌وکارها و جامعه فناوری شکل بگیرد؛ امیدی که البته هنوز با تردید همراه است زیرا جامعه در ماه‌های اخیر بارها وعده شنیده اما تغییر محسوسی ندیده است. اینترنت بین‌الملل از نهم اسفندماه سال گذشته و همزمان با آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران عملاً قطع شد؛ تصمیمی که ابتدا با عنوان یک اقدام امنیتی موقت توجیه شد اما با وجود اعلام آتش‌بس در ۱۹ فروردین‌ماه، محدودیت‌ها ادامه پیدا کرد و اینترنت ایران وارد طولانی‌ترین دوره اختلال و انسداد خود در سال‌های اخیر شد. هرچند پس از اعتراضات دی ماه نیز پهنای باند به‌شدت کاهش یافته بود اما آنچه در این سه ماه رخ داد، دیگر صرفاً کاهش کیفیت نبود؛ بلکه قطع یک زیرساخت حیاتی بود که زندگی میلیون‌ها ایرانی به آن وابسته شده است.

در این میان، اظهارات محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، شاید صریح‌ترین موضع‌گیری رسمی دولت چهاردهم درباره بحران اینترنت بود. او در جلسه ستاد ویژه ساماندهی فضای مجازی با انتقاد از برخوردهای سلیقه‌ای در حوزه اینترنت گفت: «کاری که با اینترنت می‌کنیم مثل این است که به جای برخورد با یک راننده متخلف، کل اتوبان را ببندیم». مجازات جمعی مردمی که نه در تصمیم‌گیری نقشی داشتند و نه راهی برای دور زدن تبعات آن.

کسب‌وکارهای نیمه‌جان

قطع اینترنت، پیش از هر چیز، اقتصاد دیجیتال ایران را هدف قرار داد. در سه ماه گذشته هزاران کسب‌وکار آنلاین، فروشگاه اینترنتی، شرکت دانش‌بنیان و فعال حوزه خدمات دیجیتال یا تعطیل شدند یا به مرز فروپاشی رسیدند. وزیر ارتباطات، خسارت روزانه قطع اینترنت به اقتصاد دیجیتال ۵۰۰ میلیارد تومان و خسارت کلی به اقتصاد کشور را روزانه حدود پنج هزار میلیارد تومان اعلام کرده است؛ آماري که اگرچه شاید دقیق نباشد اما بزرگی بحران را نشان

میراث

علیصدر ارث پدری نیست

چاه نفتی که با چند بشکه معاوضه شد!

مریم مقدم

روزنامه‌نگار حوزه میراث

این روزها اگر به‌عنوان یک گردشگر، مسیر پیچ‌درپیچ جاده علیصدر را به شوق تماشای بزرگ‌ترین غار آبی قابل قایقرانی جهان طی کنید، در بدو ورود با صحنه‌ای مواجه می‌شوید که فرسنگ‌ها با استانداردهای گردشگری فاصله دارد. تصویری که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، نشان‌دهنده نصب کاغذی کچ‌ومعوج روی بنر ورودی غار است که از مسافران می‌خواهد، هزینه ورود را به «حساب مسجد روستا» واریز کنند! اتفاقی که نتنها آبروی گردشگری پایتخت تاریخ و تمدن را نزد مسافران برده بلکه نشان از رها شدن افسار مدیریت در این مجموعه حیاتی دارد. برای درک عمق فاجعه‌ای که امروز در علیصدر جریان دارد باید به ابتدای دهه ۷۰ بازگشت. پیش از آن، درآمد غار مستقیم به خزانه ملی می‌رفت و آورده‌ای برای سفره همدانی‌ها نداشت. اما در سال ۱۳۷۱ با پیگیری‌های جدی مدیریت ارشد وقت استان، مدیریت غار از سطح ملی به سطح استانی منتقل شد. استدلال روشن بود، علیصدر ظرفیت همدان است و درآمدش باید صرف توسعه همین استان شود. با تشکیل شرکت سیاحتی علیصدر و واگذاری سهام به سازمان همیاری‌ها و شهرداری، دوران طلایی توسعه و تبدیل غار به یک قطب درآمدزا آغاز شد.

غار ۱۲ کیلومتری در دل زمین

علیصدر فقط آن چیزی نیست که ما در مسیرهای قایقرانی می‌بینیم. طبق داده‌های علمی، طول این غار شگفت‌انگیز بالغ بر ۱۲ کیلومتر تخمین زده می‌شود که تاکنون تنها ۳ کیلومتر از آن شناسایی و آمادسازی شده است. جالب‌تر آنکه این سیستم پیچیده زیرزمینی با غارهای سراب و سوباشی در سه و هفت کیلومتری خود در ارتباط است؛ واقعیتی که

قطعی اینترنت هشدار داد. او با اشاره به انتصاب محمدرضا عارف به ریاست ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی، این اقدام را نشانه‌ای از توجه دولت به اعتراض‌ها و نگرانی‌های جامعه دانست و گفت، بخشی از جامعه «کاملاً متأثر» از قطع اینترنت است؛ وضعیتی که نه فقط ارتباطات روزمره بلکه زندگی اقتصادی مردم را مختل کرده است. مرعشی در بخش دیگری از اظهاراتش به شکل‌گیری نوعی تبعیض در دسترسی به اینترنت اشاره کرد؛ تبعیضی که در ماه‌های اخیر بیش از گذشته مورد انتقاد افکار عمومی قرار گرفته است. او گفت در شرایط فعلی، عده‌ای محدود با عناوین مختلف همچنان به اینترنت دسترسی دارند اما اکثریت مردم از این امکان محروم مانده‌اند. از نگاه او، ادامه این وضعیت به‌معنای ایجاد شکاف ناعادلانه‌ای است که می‌تواند، نارضایتی اجتماعی را تشدید کند و احساس تبعیض را در جامعه گسترش دهد. دبیرکل حزب کارگزاران همچنین بر پیامدهای اقتصادی محدودیت‌های اینترنت تأکید کرد و گفت، بخش بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی امروز ایران، همانند بسیاری از کشورهای جهان، بر بستر اینترنت و فضای مجازی شکل گرفته است. او هشدار داد که ادامه این وضعیت، معیشت شمار زیادی از مردم را تحت‌تأثیر قرار داده و بسیاری از افراد عملاً کسب‌وکار و درآمد خود را از دست داده‌اند. مرعشی در عین حال ابراز امیدواری کرد که محمدرضا عارف با توجه به جایگاه و نفوذ خود در ساختار حاکمیت، بتواند «گره اینترنت» را باز کند و به این بحران پایان دهد.



امنیت بیشتر یا آسیب‌پذیری بیشتر؟

مدافعان قطع اینترنت همواره استدلال می‌کردند که این اقدام برای حفظ امنیت کشور ضروری است اما حالا حتی بخشی از کارشناسان امنیت سایبری نیز این روایت را زیر سؤال برده‌اند. علی کیایی‌فر، متخصص امنیت اطلاعات و شبکه در گفت‌وگو با اقتصادنیوز گفته است که قطع طولانی‌مدت اینترنت نتنها امنیت زیرساخت‌های کشور را افزایش نداده بلکه آنها را آسیب‌پذیرتر کرده است. به گفته او، بسیاری از تجهیزات، نرم‌افزارها و سیستم‌های امنیتی کشور در این مدت امکان دریافت به‌روزرسانی‌های امنیتی را نداشته‌اند و همین مسئله، راه نفوذ به زیرساخت‌های حساس را ساده‌تر کرده است. او هشدار می‌دهد که اکنون حتی هرکهای کج‌تجریه نیز می‌توانند از آسیب‌پذیری‌های پیچ‌نشده برای نفوذ به سامانه‌های بانکی، دولتی یا خصوصی استفاده کنند. نکته مهم‌تر اینکه بخش عمده حملات سایبری مهم ماه‌های اخیر دقیقاً در زمانی رخ داده که اینترنت کشور قطع بوده است؛ از حملات به زیرساخت‌های بانکی گرفته تا اختلال در برخی سامانه‌های حساس. موضوعی که این پرسش را پررنگ‌تر می‌کند که آیا قطع اینترنت اساساً توانسته، هدف امنیتی مورد ادعا را محقق کند یا نه.

در آخرین لحظات تنظیم این گزارش، مدیر روابط عمومی وزارت ارتباطات اعلام داد که رئیس‌جمهور دستور بازگشایی اینترنت بین‌الملل را ابلاغ کرده است.

واگذاری به شرکت کرمانی در یک مزایده ۴۵ میلیاردی

درحالی‌که طی سال‌های گذشته و زمان حضور پورمختار، نماینده مردم کیوردآهنگ و بهار در مجلس شورای اسلامی و زمان مدیریت کلی علی‌المالیر در میراث فرهنگی استان، تصمیمات عجیب و غریبی برای غار گرفته شد و تصمیمات سمنی رفت که دارایی غار به خزانه وزارت میراث واریز شد و پرونده تحقیق و تفحص حاشیه‌ساز برای غار باز شد. مدیران به‌ظاهر دلسوز استان در برابر واگذاری مدیریت غار به مجموعه‌هایی چون پدیده شاندیز، مقاومت کرده بودند تا این ثروت ملی در اختیار استان بماند، حالا خبر واگذاری بهره‌برداری غار به یک شرکت غیربومی کرمانی در قالب یک قرارداد ۴۵ میلیارد تومانی در قدم نخست، شوک جدیدی به افکار عمومی وارد کرد اما نگاه کارشناسان می‌گوید شاید هم ورود این شرکت کرمانی، بخت بسته علیصدر را باز کند و نحوه نوین مدیریتی را برای علیصدر به ارغسان آورد. واگذاری این مجموعه در سکوت خیری و ابهام در جزئیات مزایده، این سوال را پیش آورده که چرا ظرفیت‌های مدیریتی بومی استان نادیده گرفته شده‌اند؟

چاه نفتی که با چند بشکه معاوضه شد!

غار علیصدر سال‌هاست از سوی مدیران استان همدان به‌عنوان «بشکه نفت گردشگری» شناخته می‌شود؛ جاذبه‌ای که سالانه شمار زیادی گردشگر داخلی و خارجی را جذب می‌کند. با این حال، واگذاری بهره‌برداری این مجموعه به یک شرکت غیربومی انتقادها و ابهام‌های زیادی به‌دنبال داشته است. منتقدان می‌گویند مسئله فقط غیربومی بودن پیمانکار نیست بلکه پرسش اصلی درباره صرفه اقتصادی این قرارداد برای استان همدان است. براساس آمارهای اعلام شده، اگر سالانه حدود یک میلیون نفر از غار بازدید کنند و میانگین بلیت ۴۰۰ هزار تومان باشد، گردش مالی سالانه علیصدر به حدود ۴۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. با این وجود، این مجموعه تنها با مبلغ ۴۵ میلیارد تومان واگذار شده؛ رقمی که حدود ۱۰ درصد درآمد تقریبی سالانه غار است. منتقدان این تفاوت را به واگذاری یک «چاه نفت» در برابر دریافت «چند بشکه نفت» تشبیه می‌کنند و خواستار شفاف‌سازی درباره نحوه قیمت‌گذاری و روند مزایده هستند.

رانت خواص

اینترنت طبقاتی، ادامه عادی‌سازی تبعیض همیشگی در ایران است

محمد محمدی

پژوهشگر اجتماعی



نزدیک به ۹۰ روز از قطعی گسترده اینترنت بین‌الملل گذشته و در همین مدت چیزی آرام و بی‌سروصدا در حال شکل گرفتن است؛ تبدیل اینترنت از یک حق عمومی به یک امتیاز قابل توزیع. اسم تازه‌اش را گذاشته‌اند «اینترنت پرو». اسم شکی که قرار است، زخم کهنه «اینترنت طبقاتی» را بزرگ کند؛ همان تبعیض قدیمی فقط با بسته‌بندی مدرن‌تر.

در این سرزمین، همیشه واژه‌ها زودتر از واقعیت تغییر می‌کنند. فیلترینگ می‌شود «صیانت»، محدودیت می‌شود «مدیریت» و اینترنت طبقاتی می‌شود «اینترنت پایدار». اما مردم هنوز آن قدر حافظه دارند که بفهمند وقتی یک چیز برای عده‌ای باز است و برای بقیه بسته، اسمش هرچه باشد رانت است.

ماجرای اینترنت پرو فقط درباره چند سیم‌کارت ویژه یا چند دسترسی سازمانی نیست. مسئله، رسمی شدن یک ذهنیت است؛ ذهنیتی که جامعه را به دو گروه تقسیم می‌کند: کسانی که حق دارند به جهان وصل باشند و کسانی که باید پشت دیوار بمانند. اینترنت دیگر ابزار توسعه نیست، ابزار تفکیک اجتماعی شده است. چیزی شبیه آسانسور شیشه‌ای برح‌های لوکس؛ عده‌ای بالا می‌روند و بقیه فقط از پایین نگاه می‌کنند.

اما شاید مضحک‌ترین و در عین حال آزاردهنده‌ترین بخش ماجرا، خود اینترنت طبقاتی نباشد؛ بلکه قیافه‌های حق‌به‌جانب کسانی باشد که امروز ناگهان نگران «پیامدهای خطرناک اینترنت پرو» شده‌اند. همان‌هایی که سال‌ها با ساختن این وضعیت شریک بوده‌اند، یا ساز مزایایش استفاده کرده‌اند، یا دست‌کم وقتی اینترنت مردم تکه‌تکه می‌شد، سکوت کرده‌اند.

این روزها بعضی یادداشت‌ها و توییت‌ها واقعا آدم را بین خنده و عصبانیت معلق نگه می‌دارند. کسانی با ادبیات طلبکارانه از «شکاف اجتماعی» حرف می‌زنند که خودشان سال‌ها در متن همین شکاف ایستاده بودند. آدم‌هایی که اینترنت آزاد برای خودشان همیشه برقرار بود اما حالا که اینترنت طبقاتی اسم پیدا کرده و بویش به خیابان رسیده، تازه ژست عدالت‌خواهی گرفته‌اند. انگار تا دیروز کسی نمی‌دید چه کسانی بدون فیلتر زندگی می‌کنند و چه کسانی باید با وی‌پی‌ان‌های نامن، اینترنت لا‌کبشتی و اعصاب فرسوده روزگار بگذرانند.

مشکل دقیقاً همین ریاکاری مزمن است.

در این کشور، تبعیض تا وقتی مخفی و بی‌صدا باشد برای خیلی‌ها قابل تحمل است. مسئله از جایی شروع می‌شود که تبعیض علنی می‌شود و مردم عادی می‌توانند، آن را لمس کنند. تا وقتی اینترنت راتی فقط در اختیار حلقه‌ای محدود بود، همه چیز طبیعی جلوه می‌کرد؛ اما حالا که ماجرا سیم‌کارت دارد، تعرفه دارد، اسم رسمی دارد و آرام‌آرام بازار شده، ناگهان همه منتقد شده‌اند. واقعیت این است که اینترنت طبقاتی محصول امروز نیست؛ نتیجه سه‌ساله عادی‌سازی تبعیض است. نتیجه همان فرهنگی که همیشه برای یک عده «استثنا» قابل بوده. همان ذهنیتی که قانون را برای مردم می‌خواهد و راه فرار را برای خواص نگه می‌دارد. از ترفیق و اقتصاد گرفته تا رسانه و حالا اینترنت. اینتیرنت پرو فقط یک سررویس اینتیرنت نیست؛ نماد یک طبقه ممتاز دیجیتال است. طبقه‌ای که قرار است سریع‌تر ببیند، راحت‌تر کار کند، آزادت برگردد و کمتر محدود شود. در مقابل، اکثریت جامعه باید پشت فیلترها تقلا کند، با اتصال ناپایدار کار کند و هر روز بیشتر به این وضعیت عادت کند.

خطر دقیقاً همین «عادت» است.

جامعه‌ای که به تبعیض عادت کند، دیر یا زود تحقیر را هم به بخش‌های زندگی روزمره‌اش تبدیل می‌کند. امروز اینترنت طبقاتی، فرد آموزش طبقاتی، پس‌فرد درمان طبقاتی؛ چیزی که متأسفانه نشانه‌هایش همین حالا هم دیده می‌شود. بعدتر شاید خود حق زندگی. «اینترنت پرو» فقط یک پروژه فنی نیست؛ تمرینی تدریجی برای عادی‌سازی نابرابری و پذیرفتن شکاف طبقاتی به‌عنوان وضعیتی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. اعتماد اجتماعی چیزی نیست که با بیانیه و وعده برگرود. وقتی دربارہ ابتدایی‌ترین حقوق مردم این همه ابهام، تناقض و سکوت وجود دارد، طبیعی است که جامعه احساس کند مسئله اصلاً برای تصمیم‌گیران اولویت ندارد؛ حتی اگر هر روز بگویند «در حال بررسی» هستند. و با همه اینها، باز هم به‌نظر تنها چیزی که هنوز می‌شود به آن تکیه کرد، همین صدای جمعی مردم است. اگر مطالبه‌گری نباشد، اگر هر بار با چند توضیح مبهم و چند وعده نصفه‌ونیمه عقب‌بکشیم این تبعیض‌نهنها متوقف نمی‌شود بلکه آرام‌آرام عادی می‌شود.

